

پیامبر و ترور مخالفان

پرسش: همانطور که مطلع هستید، چندی پیش عده‌ای به نام دفاع از پیامبر اسلام به نشریه طنز «شارلی ابدو» حمله کرده، عده‌ای را کشتند و تعدادی را مجروح کردند؛ شما در مصاحبه پیشین گفته بودید که در قرآن هیچ مجازات دنیوی برای نافرمانی خداوند و یا ارتداد، سبّ النبی و ... دیده نمی‌شود؛ اما عده‌ای معتقدند که پیامبر و امامان شیعه در مواردی چنین فتواهائی صادر می‌کردند و افرادی را به دلیل عقایدشان به مرگ محکوم می‌کردند، از جمله فردی که اشعاری در هجو پیامبر اسلام می‌سروده، به دستور وی اعدام شده است. آیا این فتاوی را باید جدای از دین و متعلق به رسوم همان دوران محسوب کرد، یا مغایرت‌هایی در سنت پیامبر با قرآن وجود دارد؟ از آنجائی که واقعه پاریس نه اولین و نه آخرین آن می‌باشد و در آینده نیز به احتمال زیاد شاهد چنین انتقام‌هایی به نام اسلام خواهیم بود، ضروری است زمینه‌های اعتقادی خشونت طلبان از نظر دینی تبیین گردد؟

عبدالعلی بازرگان: خشونت طلبان به روایاتی استناد می‌کنند که سینه به سینه در طول قرن‌ها به ما رسیده و مطلقاً نمی‌توان به صحت آنها، جز درعرضه به قرآن، اطمینان حاصل کرد. ابتدا باید معلوم گردد دسترسی ما به سنت پیامبر از چه طریقی ممکن است و چگونه می‌توان به صحت آن اعتماد پیدا کرد؟ البته بخشی از سنت را به عنوان رفتار پیامبر می‌توان در خود قرآن یافت که این بخش کاملاً موثق و قابل اعتماد است، اما بخش عمده آن که از طریق احادیث و روایات سینه به سینه و در طول قرن‌ها به ما رسیده، به شدت مخدوش و مجعول است، در زمان امام علی^(ع) از ایشان در باره همین احادیث و اختلافاتی که با هم دارند سؤال کردند. در پاسخ جامع و کامل ایشان که در خطبه ۲۱۰ نهج البلاغه آمده است، احادیث به ده دسته: حق و باطل، صدق و کذب، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، حفظ و وهم تقسیم شده و نشان داده است که از همان زمان پیامبر کارخانه تولید جعلیات تأسیس شده بود! به طوری که پیامبر به منبر رفته و هشدار داده بود کسی که عمداً چیزی را به دروغ به من نسبت دهد، جایگاهش دوزخ است. امام علی^(ع) در این کلام راویان حدیث را نیز به چهار گروه تقسیم کرده و تنها نقلیات گروه چهارم را قابل اعتماد شمرده است.

همانطور که می‌دانید، پیامبر برای حفظ اصالت قرآن و عدم اختلاط با گفتار شخصی خود فرموده بود چیزی از من ننویسید، هر کسی هم نوشته پاک کند. از حدود یک قرن بعد بود که جمع‌آوری نقلیات آغاز شد و اولین کتاب حدیث (صحیح بخاری) در اوایل دهه سوم هجرت عرضه گردید، نویسنده این صحیح از میان حدود هفتصد و پنجاه هزار حدیث جمع‌آوری شده! فقط ۷۲۵۷ حدیث، و با حذف تکراری‌ها حدود چهار هزار حدیث، یعنی کمتر از یک‌صدم را معتبر شناخته و بقیه را به دور ریخته است، تازه همین کتاب را اگر شما امروز بر قرآن عرضه کنید، بخش زیادی از آن را با معیارهای قرآنی نمی‌توانید باور کنید. این از کتاب‌های حدیثی اهل تسنن، اما اصول کافی اولین کتاب از مجموعه کتب روائی شیعه، از این هم فاصله بیشتری با زمان پیامبر دارد و حدود یک قرن دیرتر، در اوائل قرن چهارم هجری منتشر شده است.

اینک این سؤال مطرح است؛ در حالی که خود پیامبر مکرم فرمود هر چه از من نقل شده به قرآن عرضه کنید؛ اگر موافق کتاب بود قبول کنید و گرنه بر دیوارش بکوبید، چگونه می‌توان نصّ صریح قرآن را با گزارشات تاریخی که از ذهنیات تاریخی شکل گرفته ابطال کرد؟! اکثریت قریب به اتفاق احادیثی که برای توجیه خشونت یا نقض حقوق زنان به آنها استناد می‌کنند، نه پایه قرآنی دارد و نه انتسابش به پیامبر معقول است.

با ذکر این مقدمه ناچارم چند نکته دیگر را قبل از ورود به مصادیق رفتارهای خشونت آمیز نسبت داده شده به پیامبر ذکر کنم:

الف) پیامبر از ترور مخالفان و غافل‌کشی نهی کرده و فرموده بود: ان الایمان قیدالفتک و لایفتک المؤمن - ایمان غافل‌کشی را منع کرده و مؤمن غافل‌کشی نمی‌کند. (تاریخ طبری، چاپ مصر، ج ۵، ص ۳۶۳).

ب) در قرآن آمده است که اگر دشمنان از شما دور شدند و ترک پیکار کردند و پیشنهاد صلح دادند، خدا هیچ راهی برای شما علیه آنان قرار نداده است (نساء ۹۰)، چگونه ممکن است پیامبر اسلام این حکم آشکار قرآنی را با کشتن شاعر هجوگوی غیر مسلحی در سرزمینی دیگر نقض کرده باشد؟ اگر یهودیانی مثل: کعب بن اشرف و ابورافع کشته شده‌اند، به دلیل جنگ افروزی و امدادشان به دشمنان بوده است.

ج) اقدامات تروریستی که در دهه‌های اخیر علیه نویسندگان، فیلم‌سازان، نقاشان و... مقیم کشورهای غربی انجام شده، واکنشی در برابر زخم زبان، نیش قلم، تیر طعنه و توهین و تحقیر «دگراندیشان» مغرض است، در حالی که مخالفان پیامبر در موضع جنگ با مسلمانان، و به اصطلاح فقهی «کافر حربی» بودند و به فرض

صحت نقلیات تاریخی، حساب کسانی که در جنگ افروزی یا پشتیبانی از دشمنان یک قوم هستند، با مخالفان دینی و عقیدتی متفاوت است. موقعیت شعر و شاعری در زمان ظهور اسلام با امروز کاملاً تفاوت داشت و شعر برای تحریک مردم در جنگ افروزی‌ها مهم‌ترین اسلحه به شمار می‌رفت، شاعرانی که در آن زمان علیه پیامبر و اسلام شعر می‌سرودند، هنرمندانی مستقل و نواندیش و بی‌تفاوت به سیاست نبودند، بلکه با اقدامات تحریک‌آمیزشان به آتش جنگ با مسلمانانی که تنها جرمشان ترک بُت‌پرستی و ایمان به خدای یکتا بود دامن می‌زدند.

د) عملکرد توده‌های متعصب مسلمان را الزاماً نمی‌توان به حساب اسلام گذاشت، حداقل در زمان و کشور خودمان شاهد هستیم که چگونه گروه‌های خودسری به فتوای روحانیون افراطی دست به قتل‌های محفلی می‌زنند. نمونه‌ای از این بی‌انضباطی‌ها را در زمان پیامبر می‌توان در جنایتی که توسط خالد بن ولید، فرمانده مسلمانان، از قوم بنی‌خدیمه انجام شد ذکر کرد؛ خالد به دلیل کینه‌ای که از آن مردم داشت، اظهار اسلام آوردن‌شان را ریاکارانه و برای نجات از عقوبت شمرد و پس از پیروزی مردان‌شان را کشت. پیامبر پس از شنیدن این خبر به شدت آزرده شده و در حالی دست دعا و استغفار به آسمان بلند کرده بود، رسماً در برابر مردم از کار او بیزار می‌جسته و با اعزام علی بن ابیطالب^(ع) به دیار آنان، خون‌بهای کشته‌شدگان و بهای اموال غارت یا تخریب شده، حتی ظروف آبخوری سگان! را به ایشان پرداخت و بیش از آن، مبلغی در اختیارشان قرار داد تا اگر خسارت دیگری ادعا شود، از آن محل بردارند (زندگی محمد پیامبر اسلام، ابن هشام ترجمه سیدهاشم رسولی ج ۲، ص ۲۸۴۴).

استثناء شدگان از عفو عمومی

آنچه در نقلیات تاریخی آمده (صرفظراً از صحت و سقم) این است که پیامبر اسلام پس از فتح مکه و فرمان عفو عمومی، چند نفر را استثناء فرمود و گفت: آنها را اگر به پرده کعبه هم چنگ زده باشند بکشید. سیره نویسان به نام دو تا شش نفر اشاره کرده‌اند و «ابن حجر» از مجموعه این نقلیات، نام سیزده نفر؛ چهار زن و نه مرد را ذکر کرده است. عجیب این که برخی مخالفان، عفو عمومی بزرگترین دشمنان را که یاران پیامبر را کشته و شکنجه کرده و خود او و پیروانش را سالیانی از دیارشان آواره ساخته بودند ندیده گرفته و به این چند نفر که اغلب سوابقی جنایتکارانه داشته‌اند چسبیده‌اند، عجیب‌تر این که از آن جمع، نه نفر بخشیده شده و فقط چهار نفر (سه مرد و یک زن) کیفر داده شده‌اند که ذیلاً به مشخصات تک تک آنها، با استفاده از تحقیقات برخی اسلام‌شناسان اشاره می‌کند: (۱)

الف) محکومانی که بخشیده شدند

- ۱- عبدالله بن سعد بن ابی سرح- او که قبلا از کاتبان وحی بود، پس از کشف خیانتش در تغییر کلام، مرتد شد و به جبهه دشمنان اسلام در مکه گریخت. پس از فتح مکه، عثمان که برادر رضائی او بود، پنهانش ساخت و از پیامبر پناه خواست و مورد پذیرش قرار گرفت (سنن ابی داود، کتاب الجهاد، شماره ۲۶۸۳).
- ۲- عکرمه بن ابی جهل- او که از سرسخت ترین دشمنان پیامبر بود، در جریان فتح مکه، برخلاف ابوسفیان و بقیه سران که تسلیم شده بودند، جنگید و پس از شکست با کشتی به یمن گریخت، اما همسرش «ام حکیمه» که مسلمان شده بود، از پیامبر امان گرفت و بخشیده شد و بعدها خدمات بزرگی به اسلام کرد (ابن هشام، ج ۳، ص ۴۱۸).
- ۳- وحشی بن حرب- قاتل «حمزه» سیدالشهداء، فرمانده جنگ احد، که به فرمان «هند» همسر ابوسفیان، پس از غافلگیری، او را کشته، سینه اش را شکافته و جگرش را به انتقام در آورده بود، این برده سیاه نیز به اتفاق همه سیره نویسان بخشیده شد و تا زمان ابوبکر زنده بود و در رکاب خلیفه اول در جنگ مسیلمه کذاب شرکت کرد (سیره ابن هشام، ترجمه هاشم رسولی، ج ۲، ص ۱۰۰).
- ۴- «هند»- همسر ابوسفیان، همانکه «وحشی» را برای قتل حمزه اجیر کرده بود، نامش در لیست بود، اما در روز فتح مکه اسلام آورد و بخشیده شد (مغازی واقدی، ج ۲، ص ۵۸۰).
- ۵- ساره کنیز عمرو بن هاشم- او که در جاسوسی برای قریش حامل نامه ای برای مطلع کردن دشمن از قصد مسلمانان برای فتح مکه بود و دستگیر شده بود، پس از آزادی به جبهه دشمن پیوست، اما پس از فتح مکه کسی را فرستاد تا از پیامبر امان بگیرد و به این ترتیب تا خلافت عمر زنده ماند (سیره ابن هشام ج ۲، ص ۴۱۱). تاریخ طبری، ج ۳ ص ۶۰).
- ۶- سهیل بن عمرو- سهیل که از کلیدی ترین مهره های مشرکین بود، با وجود آنکه در جنگ بدر اسیر و با فدیة آزاد شده بود، در فتنه های متعدد علیه مسلمانان مشارکت داشت و در قرارداد «حدیبیه» نماینده مشرکین مکه در امضای قرار داد با پیامبر بود. سهیل در جریان فتح مکه نیز مردم را علیه مسلمانان فراخوانده و به اتفاق

صفوان بن امیه و اکرمه بن ابی جهل آنها را در خدمه برای نبرد گرد آورده بود، با این حال پس از شکست، پسرش را نزد پیامبر فرستاد تا امان بگیرد و با پیوستنش به مسلمانان، در جنگ حنین به همراهی پیامبر جنگید (مغازی واقدی، ج ۲، ص ۸۴۷).

۷- هبار بن اسود - او با زدن نیزه به زینب در راه هجرت به مدینه، موجب سقط جنین دختر پیامبر شده بود. او نیز پس از فتح مکه اسلام آورد و بخشیده شد (مغازی واحدی، ج ۲، ص ۸۵۸).

۸- صفوان بن امیه - صفوان از رهبران مهم مشرکین بود که پس از فتح مکه از راه دریا به یمن گریخت، چندی بعد عمیر بن وهب برای او امان خواست و پیامبر عمامه خود را به علامت اطمینان برای او فرستاد، به مکه بازگشت ولی از اسلام آوردن خودداری کرد و فرصت خواست تا اندیشه کند، او بعدها مسلمان گردید (دلایل النبوه بیهقی، ج ۵، ص ۹۷).

۹- قُرَنتا - کنیز عبدالله بن خَطَل، که اشعار هجوآمیز او را در مجالس لهُو و لعب مشرکان می خواند ولی پس از فتح مکه امان خواست و بخشیده شد.

ب) محکومان کیفر داده شده

۱- حُوَیرث بن نُقَید - از شکنجه گران مسلمانان در آغاز رسالت در مکه (ابن هشام ج ۴، ص ۳۱).

۲- مُقَیس بن صُبابه - جرم او کشتن کسی بود که برادرش را در جنگ بنی مصطلق اشتباها به قتل رسانده و به دستور پیامبر خونبهایش را پرداخته بود. مقیس که خونبها را دریافت و ظاهراً ابراز مسلمانی کرده بود، برای فرار از قصاص قتل به جبهه دشمنان پیامبر در مکه پیوسته و قانونی شرعی و عرفی را شکسته بود (مغازی واقدی، ج ۲، ص ۸۶۱).

۳ و ۴- عبدالله بن خَطَل و کنیزش قریبه - عبدالله مسلمانی بود که از سوی پیامبر برای گردآوری صدقات فرستاده شده بود، اما همکار مسلمان خود را کشته و با اموال فراهم شده به دشمنان اسلام در مکه پیوسته بود و اشعاری را در هجو رسول می سرود و دو کنیز بدکاره اش قریبه و قرنتا، آنها را در مجالس لهُو و لعب مشرکین با آب و تاب می خواندند. قرنتا همانطور که گفته شد امان خواست و بخشیده شد، اما عبدالله و دیگر کنیزش

قریبه، به روایتی در رویارویی با سپاه مسلمانان در فتح مکه کشته شدند (مغازی واقدی ج ۲، ص ۸۶۰)، و به روایتی زیر پرده‌های کعبه کشته شدند، که ابن هشام آن را نپذیرفته است (ابن هشام، ج ۴، ص ۵۰).

بهمن ماه ۱۳۹۳

۱- کتاب سیره نبوی (دوران مدینه) از استاد مصطفی حسینی طباطبائی